

اقتباس از مجله مقتطف

بقلم عبدالغفور خان

مدنیت فنیقیها

واقایر آن در تمدن قدیم

(۱)

زبان فنیقیه

زبان فنیقیه یکی از لغات سامی و مشتق از زبان آرامی است که قبل از زمانهای تاریخی منقرض گردیده و مشهورترین لغات مذکور (آرامی) زبانهای عربی، سریانی، حبشی، فنیقی، آشوری و بابلی است که سه زبان آخرین بساط خود را چیده و ازین رفته است.

علمای زبان جمیع لغات تصریفی را بدو اصل مهم سامی یاسریانی و سنسکرتی ارجاع میدارند اصل سنسکرتی که بافروع و شعبات خود منسوب به یافت بوده بنام لغات یافتی نامیده میشود! داخل بحث ماینست. ازین رو بیان مداخله نمی نهائیم.

اما اصل سامی بدو فرع عمومی یکی بفرع شمالی یاسریانی و دیگر به فرع جنوبی یا عربی منقسم میگردد. فرع شمالی مرکب از سه زبان آرامی و آشوری و کنعانی بوده شعبه آرامی به چندین زبان دیگر منشعب است که سه شاخ جامع و شامل ارجاع می یابند و آن عبارت است از سریانی حقیقی که فصیح ترین آنها بشمار می رود و آرامی و کلدانی، یانبطی. همچنین زبان آشوری بچندین لغات دیگری متفرع میگردد که امروزه تماماً مندرس و نابود شده است.

اما لسان کنعانی زبان طوائف کنعانی بوده بدو فرع انقسام می یابد: اول عبرانی که زبان اهل جبال کنعانیان فلسطین بوده و امروز زبان مذهبی اهل یهود را تشکیل مینماید. ثانوی زبان فنیقی است که زبان کنعانیان ساحلی بوده و مدار کلام



وضعیت تاریخی آسیای بزرگ



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در بحث موجوده ما روی آن قرار میگیرد.
تعریف زبان فنیقی:

زبان فنیقی لسان فریقی از ابنای کنعان بوده (و از همین نقطه نظر در « نبوت اشعیا » اغلباً بنام کنعانی یاد میشود) و در بین زبان مذکور و لسان عبرانی بقدری تناسب و تشابه موجود است که تمیز و تفریق را در بین هر دو کاری بس دشوار و متعذر میسازد. و روی همین مسئله است که علمای یونان هر دو را با هم مترادف اعنی بمعنای واحد اعتبار کرده اند. اگر چه زبان تکلم و گفت و شنید در نزد هر دو فریق از بعضی وجوه (بنا بر اسباب مختلفی که مهم ترین آن زبان اهل سواحل بودن فنیقی و اسباب تفاهم کوهستانیان بودن عبرانی تشکیل مینماید) دارای اختلاف نیز میباشد باز هم زبان تحریر در نزد فریقین فرق و مغایرتی ندارد.

در زبان فنیقی بجز از یک کعده معدود میزات از قبیل کثرت استعمال ضم در حروف و اهما، کسره در نهجیه آخر کلمه فرق، بگری نیست اما حذف حرکات طولانی یا حروف مد در رشته تحریر تنها بزبان مذکور مقصور و منحصر نبوده در زمان باستان شامل جمیع لغات سامی بوده و وجود مشابهت در بین لغات مذکور شامل بساقواعدومز ایای دیگری است از قبیل حروف حلقی و اختصاص افعال آن بدو زمان و تشابه اشتقاق که سایر لغات تصریفی بکلی از آن عاری و بی نصیب میباشد. چنانچه یکی از جمله ممیزات بارزه آن همین است که بجز زبان جدید حبشی همه از راست بچپ تحریر می یابد بعلاوه شباهت دیگری نیز از حیث حرکات مستعمله ملفوظه و اسمای حروف و غیره در بین آنها اثبات وجود مینماید که در بنمورد به تذکار آن موقعی در دست نیست. در موضوع اثبات تشابه شدید زبان فنیقی و یونانی دلیل بهتر ازین وجود ندارد.

اجزای تورات بطور قطعی فیما بین شان فرقی نشهاده زبان عبرانی را لغت کنعان پند مینماید. و از زمره شواهد و براینکه که در باره وحدت هر دو زبان اقامه مینماید

یکی همین است (که جواسیس (بشوع) دلس از مراجعت مصر با (راجاب) کنعانی بدون مشقت و تکالیف گفت شنید نموده همچنین فرستادگان جبعو نیها و غیره قبائل کنعان با اسرا ئیلیان بدون استخدام تر جهان تکلم و گفتگو نموده اند . همچنین شواهد و دلائل دیگری است که ثابت می‌دارد که هر دو زبان در اعصار قدیمه با خصوص در عصر ابراهیم ابی‌المنین با هم دارای تقارب و تناسب زیادی بوده است و در برابر اینکه گفته شود در قطار سائر السنه تنها زبان فنیقی برای نقل اولین وحی و نخستین سنت منزلی که برای قاطبه اهل کیتی فرستاده شده است اختیار و انتخاب شده است هیچ‌یک مانعی وجود ندارد .

منشاء حرف فنیقی :

زبان کتابت و تحریر در نزد فنیقیان از نقطه نظریه ایش و نشأت خود بقدم‌ترین اعصار تاریخی تعلق گرفته و حرف فنیقی با اعتبار جمیع علماء احساس حرف هجایی سائر السنه کیتی حساب می‌گردد . زیرا فی کتابت در مبادی امر بصورت و رسمیکه بنیاده حقیقی و موجود و یا بغرض مجازی بودنش که بجز از زبان اشارتی نتوان کرد و با بصورتیکه بکلمه مقصود یا بعضی از حرف آن دلالت نماید مقصود و منحصر بود پس آنها برای تعبیر فکر برسم صورتیکه بحقیقت معنای خود را با بغرض مقصود بیکی از قرائن دلالت نماید و سیله جوئی نمودند چنانچه ازین گونه کتابت شش نوع هیرو گلیف (که عبارت باشد از هیرو گلیف مصری و علامات چینی و علامات میخی) در بلاد کلدان و کتابت حشی در سوریای شمالی و آسیای کوچک و کتابت مکسیک و کانوفی در امریکا دستیاب شده است . ولی صور مذکوره فوق در احاطه مدلول خود بجز ازها دیات و با آنقسمت از مجازیات که ادراک آن دارای سهولت باشد؛ نفوذ دیگری نداشت و نمیشد تصور اینکه از ماده مجرد باشند مانند تصور عدل ، رحمت ، دوستی ، حقیقت و دروغ را مثال آن بذریعه صورت های غیر میسور ، و از این رو

مجبور گردیدند تا بفرض وسعت استدلال از نقش صور به هجای اول مسهای آن اکتفائابند چون علامات و صور خارج از حدود تصور قدمی جلونمی نهادند بر ان صورت صوت و صدا را بخود اکتساب نمود باز خود آن يك كتابت قاصر و نارسا بوده كه در خور ابفای ضروریات و حوائج بشری كاری را بسر رده نمی توانست. این بود حال و وضعیت بحر برهنگاميكه فنیقیان بفرض استنباط هجای آن مشغول اقدامات كرد بدند. آنوقت درین زبان مصری و سامی یافنیقی در پانزده حرف (برخلاف آنكه بعضیها سیزده حرف گمان کرده و مصریان انرا بحروف صوتی تعبیر می نمایند) مشابهنامی موجود و فنیقیان هفت حرف دیگری را كه صورت آنها از علامات هیرو غلیفی دارای اختلاف بود بران اضافه نموده اصطلاحاً بنام خطوط مصری شناختند بطوریکه از مجموعه هر دو بیست و دو حرف ترتیب و انرا هجای زبان خویش اتخاذ نمودند این طور يك قرابت و نزدیکی فیما بین زبان مصری و سامی یافنیقی از حیث نشأت و پیدایش خود بعصر رعات (شبانها) در مصر كه حكمرانی شان از قرن بیست و يك تا عصر شانزدهم قبل از میلاد مسیح دوام كرده است تعلق میگیرد و در نتیجه تماس و اتصال فنیقیان با مصر بها در عصر مذکور نفوذ فنیقی نیز بیشتر از آنكه نفوذ مصر از رهگذر صناعات و دین و آداب یافنیقی قائم و صورت پذیر گردد سرزمین مصر را مورد جریان و تاخت و تاز خویش قرار داده بزبان مصری الفاظ و تعبیرات زیادی از لغات سامی دخول نمود.

برخی از علماء چنین معتقد اند كه فنیقیان هجای زبان خویش را از مصطلحات كتابت مصری اتخاذ و اقتباس نموده به كتابت بابلی استناد کرده اند ولی با وجود آنكه فنیقیان بشام كیتی وسیله انتشار مدنیت بابل و كلدان بوده اند باز هم این فكر و مسلك شان خیلی ها ضعیف و كمزور بوده تا با امروزه لیل محسوسی بران اقامه نشده است.

علمای لسان از حروف فنیقیان حرف هجائی بدست نیاورده و جمیع كتابت هائی كه بدست رس ایشان قرار یافته است از نقطه نظر هجاء بوجه قریب یا بعید باصل هجای فنیقی تعلق میگیرد علمای مذکور علمای لسان حروف جمیع السنه كیتی را بر پنج اصل سامی و یونانی ایطالیائی و ایباری و شمالی و هندی حمیری حواله میدهند این حروف با اختلاف

اصول خود از نقطه نظر ایشان بما در یگانه که عبارت از حروف فنیقی با هجای فنیقی باشد تعلق میگیرد که از فنیقیان با اموال تجاری خویش بملل دیگر ارمغان برده اند اگر صورت حال بدینمنوال نمی بود یعنی فنیقیان هجای زبان خود را خود استنباط نکرده از دیگران اقتباس مینمودند آنوقت در آسار مصری یا آشوری و بابلی برای هجای فنیقی اصلی بدست میآمد ولی جمیع آثار بکه تا کنون دستیاب گردیده این فکر و مسلک را طرفداری نکرده اند و استناد فنیقیان در موضوع انشاء و بدست آوردن هجای لغت خود بر علامات مصری صحیح نیست دلیل میشود که فنیقیان موجود هجای اول لغات و السنه دنیا نمی باشند .

نظور حروف فنیقی ؛ حروف فنیقی در سیر زمان معروض برخی تغییرات گردیده شکل و کیف آن قدری دگرگون و کتابت نخستین الی النهایه بوضع اصلی خود ثابت نمانده است چنانچه جمیع تبدلات بیکه بهیئت این زبان دخالت نموده است بسه دوره عمومی منقسم میگردد :

دوره اول : کتابت فنیقی در بین دور بین طوائف آرامی سر تا سر مشایم و مروج بوده است . امتیاز مخصوص نحر بر فنیقی بدوران مذکور یکی همین است که حروف آن در مبادی امر کسج و پیچ و پرت زاویه بوده پس آن مستدیر یعنی دائروی گردید این دور از عصر (شبانها) در مصر سفلی شروع گردیده به قرن ششم قبل از میلاد مسیح خاتمه یافته است .

دوره ثانی : کتابت فنیقی در بین دور بد و قسم که یکی کتابت صید و نیه و دیگری کتابت قرطاجنه است منقسم گردید . قسم اول از قرن ششم قبل از میلاد و تا صدر نصرانیت دوام نمود و حروف کتابت درین دور نظر بحروف کتابت دوره اول دارای استدارت بیشتر و اعوجاج کمتر ، در وسط ضخیم و از اطراف باریک بوده است . اما کتابت قرطاجنی با کتابت صید و نیه دارای خیلی قرابت و لای حروف آن روی یک خط مستقیم قرار گرفته دارای عدم انسجام و قدری محذب بوده است .

دو رتالت تحریک فنیقی درین دوره بنام بونی که فنیقی جدید باشد؛ شناخته شده از قرن دوم قبل از میلاد تا بعد از استیلای رومان بر سوریه در سواحل غربی بحر متوسط (مدیترانه) استعمال میگردد - حروف این دور از نقطه نظر بساطت و تشابک بطوریکه در قرائت و خواندنش انسان را دچار مشکلات نماید دارای امتیاز بوده است .

فروغ زبان فنیقی !
برخی از علماء جمیع لهجه های زبان فنیقی را بسه فرع اصلی و بزرگ ارجاع مینمایند یکی فرع جبیل که فیما بین فرع مذکور و زبان عبرانی قرابت شدیدی اثبات وجود مینماید دومی فرع صیدا که از حیث انتشار نظر بفروع ثانوی نسبتاً مهم تر و دارای وسعت بیشتر است سومی فرع بونی که زبان فنیقیان مهاجر قرطاجنه را تشکیل مینماید .

امتزاج زبان فنیقی با سایر السنه و انقراض آن :
زبان فنیقی بتعقیب فتح آشور با زبان آرامی باسریانی نزدیک گردید سپس بعد از غارت یونان بر فنیقی الفاظ و تعبیرات یونانی در آن دخالت کرده انقلاب بزرگی را در لسان مذکور احداث نموده قریب بود که بکلی محو و مندرس گردد .

علی الخصوص پس از آنکه زبان یونانی وسیله تفاهم شهر نشینان و اهل مدن و اعیان و کبار ملت در بلاد سوریه قرار گرفت ؛ مع ما فیہ لسان فنیقی با وجود اختلاط و امتزاج آن با زبان سریانی بطور کلی محو نابود نگردید ؛ بکدسته اهالی بذر بعه آن تفاهم و گفت و شنید مینمودند تا آنکه زبان قریب و مشابه آن یعنی عربی بمیدان آمده زبان فنیقی و سایر لغات سامی را خاتمه بخشید . زبان سریانی بسه شعبه بزرگ و عمومی انقسام می یابد :

اول سریانی حقیقی که از افصح اقسام ثلاثه اعتبار گردیده زبان اهالی بین النهرین و شام خارجی را تشکیل مینمود دوم آرامی که وسیله تفاهم ساکنین لبنان و شام داخلی قرار گرفته بود از نقطه نظر صراحت و فصاحت از فرع نخستین عقب تر بوده است سوم کلدانی یا نبطی که از رهگذر احکام و متانت نسبت بدیگران پسر و لسان جبیل آسیای داخلی را در آشور و بابل تشکیل مینمود چنانچه ابو الفرج نیز این نکته را در تاریخ

مختصر الدول خود اثبات مینماید، اما علمای عصر حاضر زبان سریانی را از حیث انسجام و قواعد نحوی کمترین لغات سامی محسوب میدارند بطوریکه بکعده زیاد الفاظ یونانی نیز در آن دخالت نموده رونق آنرا بر باد و مستاصل نمود بتعقیب حمله اسکندر استعمال آن در دیار شام رو بقلت نهاد. و پیشتر از شروع قرن هژدهم، بطور کلی مضمحل گردیده بجز در قریه معلولا و مارالباس که از ملحقات و توابع شهر دمشق است علامت و آری ازان در جاهای دیگر باقی نماند.

مع مافیہ یا وجود آنهمه ضعف و فتور بکه زبان مذکور را فرا گرفت در نزد سریانیان و مارونیها تا امروزه روز بحال زبان، اوراد و ترتیبات مذهبی دوام نمود بر عکس زبان فنیقی که تا آن فتح آشوری لسان اصلی بلا در تشکیل مینمود بکلی منقرض گردیده بجز از فقراتی چند که زبان یونانی از سنگن بتن مولف مشهور فنیقی ترجمه گردید آری از لغت فصیح آن باقی نماند.

انشا و زبان فنیقی در افریقا:
در قرطاجنه و مستعمرات فنیقی در افریقای شمالی لسان بونی که زبان جدید فنیقی باشد تا قرن دوم میلادی ذریعه تفاهم اهالی قرار یافته و در بین بعضی از طبقات اهالی، قرن چهارم و پنجم تاریخ مسیحی دوام نمود.
نظریه موده مستشرقینیکه منشأ لغات سامی و انتشار آنرا مورد تدقیقات و کنجکاری خویش قرار داده اند زبان بربری که در بلاد فزان و وادی های مجاور آن و نواحی اطلس و صحرای غربی و علاقه های شمال مغرب افریقه شیوع و انتشار گرفته است دارای لهجه های مختلف یا لغات زیاد و بالغات سامی دارای رابطه استوار و متینی بوده از صله و ارتباط با زبان قبطنی خالی نیست.

این زبان از نقطه نظر نشأت و پیدایش خود بعهده تاسیس قرطاجنه تعلق میگیرد و چندین امثله قدیمه حروف اصلی آن که در بین لغات و مزروق برسنگها نقش گردیده بود در سال ۱۸۲۲ بدست افتاده بسال ۱۸۴۵ بچندین امثله دیگری ازان در

نخستینهای طوایف بر خوردند و در تعقیب آن کتیبه‌های دیگری را در وادی‌های (نیغازی) و غدامس و غیره دستیاب نمودند اینک علماء در نتیجه تدقیق و تتبعات خویش فیما بین کتیبه‌های مذکور و کتبات لوییه که تقریباً ده عصر پیشتر از امروز در یک قبرستانی که از خرابه‌های قرطاجنه سه روز مسافه دارد بدست آورده اند نشانه شدیدی دریافتند و قرار داده اند که حروف هجای بونی یا نومیدی که آنرا بر برها در کتبات زبان غیر سامی بموقع استعمال میگذازند ذاتاً یکی از تحریرات عیدیه است که از کتبات اصلی آرامی مشتق گردیده و در یک یاره اجزای خود بیان خیلی شباهت میرساند. بلکه وجوه تقارب و مشابهت آن بیشتر از مشابهت زبان فنیقی بالسان مذکور اثبات وجود نموده و در عصری مقدم تر از عصر ایجاد حروف فنیقی ازان مشتق گردیده است.

وجود همچو یک تشابه فیما بین آرامی و کتبات لوییه نومیدی علمای عصر باین نکته و ادراک نمود که اقرار نمایند حروف فنیقی حروف اصلی نبوده و فنیقیان مخترع هجائی باشند بلکه لابد یکی از ملل سامی معاصر و یا مقدم از ایشان؛ باین کار سبقت جسته است.

از قراریکه علماء اظهار مینمایند ساکنین لیبیا در ایام باستان لسانی را که بازبان سریانی و عبرانی دارای قرابت باشد استعمال و اسباب تفاهم خویش قرار داده بودند.

زیرا ایشان از آنسالیکه فنیقیان بر بلاد مذکور و سرزمین بربر حکمرانی مینمودند بوجود آمده اند یکدسته از مردمان سور سال (۸۸۶) قبل المیلاد جانب بلاد مذکور مهاجرت نموده شهر قرطاجنه را تاسیس و زبان فنیقی را در آن روی کار و منتشر نموده بدینوجه زبان ایشان امروز ایام زمان طوبلی را با حصول مقاربت بزبان سریانی و عبرانی سپری نمود.

اینک در نظر گرفتن مراتب فوق خلاف معقول است در صورتیکه ذاتاً قبیله مذکور از سلاله فنیقیان بوده بلاد مذکور را استعمال کرده اند و بزبان دیگری غیر از زبان فنیقی گفت و شنید نموده باشد. لاکن اینقدر دارد که تحریفات وارده بمرور ایام آنرا سر و صورت دیگری بخشیده در اصل و نشأت آن چنین اشتباهات را بوجود آورده است.

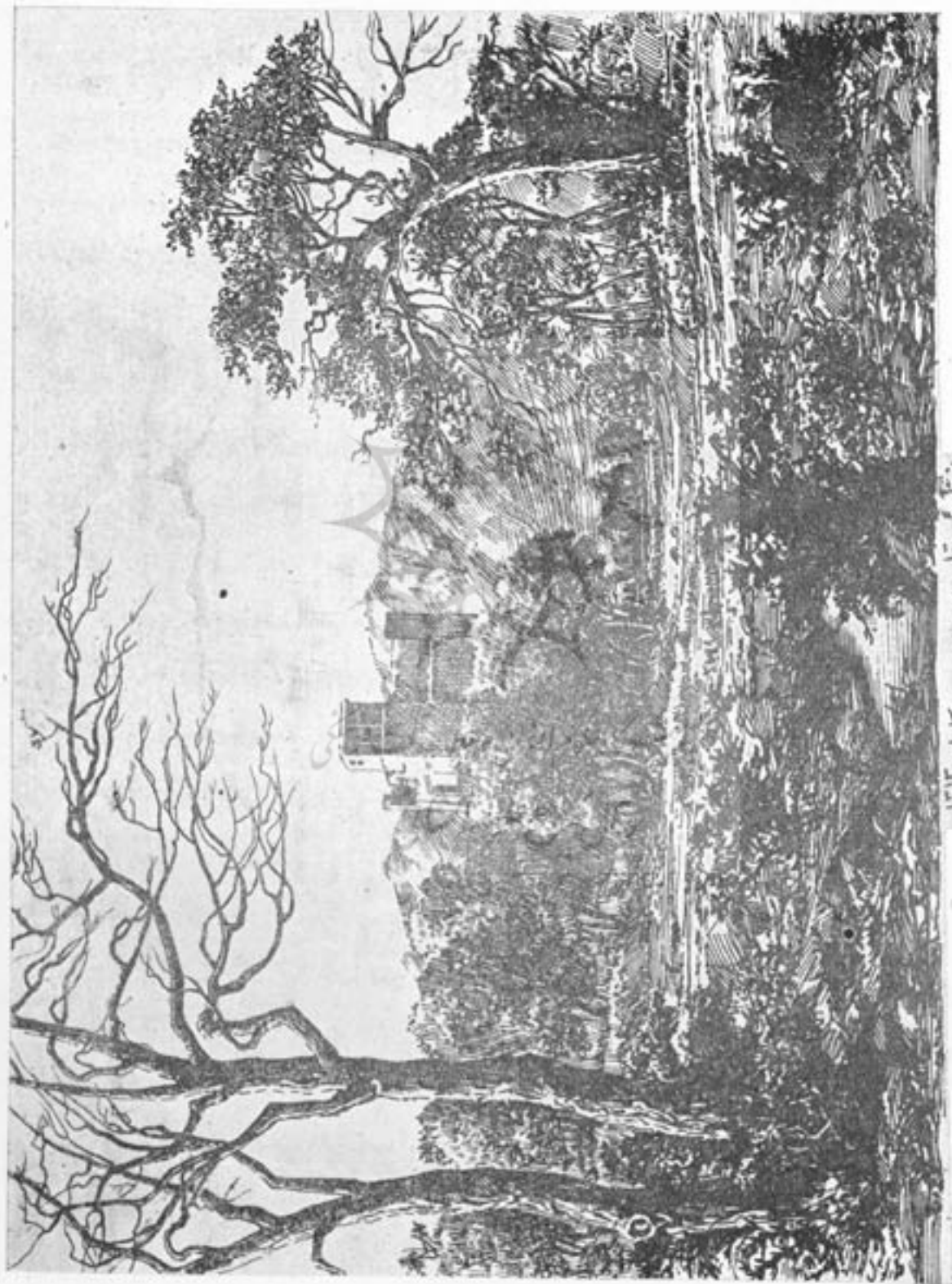
خلاصه با وجود آنکه حروف مستعمله کتابت در نزد فنیقیان و قبائل سامی و کنعانی که با ایشان امتزاج نمود مشترک بوده و از همین امتزاج قومی 'ملت معروف فنیقی تشکیل یافت و همه آن اعمالیکه در بلاد سامی و آرامی و فنیقی روی کار میگردد پس از حصول امتزاج مذکور بنام فنیقی یا کنعانی شناخته میشد زیرا که ایشان از نقطه نظر نفوذ علم و ثروت در بین سائر قبائل دارای شهرت زیادی بوده اند باز هم فنیقیان واضح نخستین هجای زبان خویش بشمار میآیند.

تأثیر لسان فنیقی در زبان یونانی:

در زبان یونانی یکصد و زیاده از لغات فنیقی اثبات وجود مینماید حصول این امتزاج بزمان مهاجرت یک طائفه فنیقی که بقیادت قدم با قدموس فنیقی در سال ۱۵۶۰ قبل از میلاد بعمل آمده است تعلق میگردد. قدموس مشارالیه هنگامیکه بجمیت قبیله خویش وارد سرزمین یونان گردیده آنوقت بلاد یونان در بحر عمیق و بی پایان جهل و غبار و فرورفته قبائل وحشی که بحال ذلیل حیوانیت در مغاره ها و (اشقوی زمین) امرار حیات می نمودند با کتابت و تحریر ' معرفت سر و کاری نداشتند یسانها کتابت را از قدموس مشارالیه و همراهانش آموختند این است علت و اسباب وجود مشابهت و تناسب زیادی که در اکثر از حروف هجا و اشکال آن فیما بین زبان یونانی و لغت سریانی و عبرانی یا فنیقی اثبات وجود مینماید.

این يك امر معلوم است که تاریخ یونان از نقطه نظر نشات و بوجود آمدن آن از قرن نوزدهم بیشتر از میلاد مسیح تجاوز نمی نماید و هنگامیکه نخستین قافله مستعمر بن مصر بقیادت اینا کوس یا اینیکوس تقریباً دو هزار سال قبل از میلاد وارد بلاد یونان گردید اهالی آنسر زمین چنانچه تاریخ بوسویت و قاموس غایتانوس نیز دلیل است بحال و حشت و بربریت بسر همیبر دارند آنوقت اینا کوس در پیلو یونان به تاسیس مملکتی بردا ختمه شهر را کوس راتهداد نهاد.

اینا کوس مشارالیه از باز ماندگان رعایات (شبانها) است که وارد مصر گردیده پس از سکونت دو عصر در منفیس از دست فرعون جانب ارض دلتا (اباریس) طرد و فرار گردید.



کابل - قلعہ چہ
منظرہ



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بمرور زمان اقلیم مذکور را برای سکونت کافی ندیده و قبیله چندی بطلب لائق از وادی نیل خارج گردیدند اینک از همین جمله است دسته مهاجرینیکه بقیادت اینا کوس مذبور جانب یونان راه افتادند.

سپس قبائل دیگری نیز بقیادت شیکرو و بوس با ایشان پیوسته درایتکیا اقامت گزین کردند و زعم ایشان در سال ۱۶۵۷ قبل از میلاد بر تخت سلطنت استیلا نمود این شخص نخستین کسی است که بعقیده خود پرستش رب النوع ویزو امعبود شهر سیائیس را که دره صر سفلی مولد خود او بود بر زمین یونان با خود ارمغان آورده و شهر آتنه و (پایتخت کنونی یونانستان) را تیمناً باین نام مسمی نمود زیرا اسم منیر و از زبان یونانی همین است. اما قد موس که او نیز از زمره شبانها محسوب است پس از فرار کردن از مصر سفلی بمعیت قبیله خویش عازم یونانستان گردید و داناوس نیز با او همراه بود و آنوقت بتاسیس مملکتی در علاقه بیوتسیدارداخته شهر نیبایس را تاسیس و مرکز مملکت خویش قرار داد. بملاوه مدینت فنیقی رادر قلمرو مذکور منتشر نمود و فن کتابت را باهالی تلقی کردن گرفت داناوس سابق الذکر بشهر ارکوس داخل شده بر تخت و سلطنت مستولی گردیده تمدن قوم خویش را در بین ساکنین آن منتشر نمود. گویندا بن شخص پنجاه دختر داشت و جمیع شانرا به برادرزادگان خویش پسران جبوتوس نامزد کرد و آنیدمها جبریت فنیقیان جانب یونان تنها بهمین قدر اکتفا نمود بلکه بمرور زمان دائره آن وسیع تر گردید. خصوصاً پس از آنکه یشرع ابن نون ایشان را از موطن اصلی شان اخراج و فرار نمود دسته دسته عازم یونان گردیده مدینت 'تربیه' دیانت 'عادات و صناعات خویش را با خود ارمغان آوردند. چنانچه انا رشان را که در اسهای طوائف 'شهرها' پهلوانان و ادیبان آنها علمای زیاده ای از قبیل بوکرت و اطالیس اسکندر و غیره بکثرت با دآوری مینما بند پوره برین مدعا دلیل میگردد.

خلاصه: از آنجا که آثار زبان کنعانی یا فنیقی و عبرانی تنها در فلسطین و سرزمین فنیقیها و لبنان و مستعمرات فنیقی در سنیاب گردیده است بعضی از علماء چنین

